



واکاوی حکم تسلیحات کشتار جمعی از منظر آیات و روایات

پدیدآورنده (ها) : حاجی‌زاده، مرتضی

علوم سیاسی :: نشریه پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۴

صفحات : از ۵۳ تا ۸۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1465772>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می‌باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می‌باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- ممنوعیت مطلق کاربرد سلاح هسته ای
- چرا تولید سلاح هسته ای حرام است؟
- فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه
- ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله)
- سلاح های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها
- ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته ای در شرایط مقابله به مثل
- بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای
- عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته ای در پرتو اصل تفکیک با رویکرد اسلامی
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- ضرورت فقهی طرح منطقه ای عاری از سلاح هسته ای : ممنوعیت سلاح هسته ای از منظر حقوق بین الملل و اسلام
- کشتار جمعی
- فتوای رهبری در مورد سلاح های تخریب جمعی: سرچشمه، اهمیت و تأثیرات

عناوین مشابه

- واکاوی دلالت صوم بر امامت از منظر آیات و روایات
- حکم فقهی ممتنعین زکات از منظر آیات و روایات
- بررسی تقسیم مخلوقات به مجرد و مادی از منظر آیات شریفه قرآن و روایات
- فرجام نفوس ناقصه از منظر آیات و روایات
- طرح کلی حرکت انبیاء و ائمه (علیهم السلام) از منظر آیات و روایات
- بررسی حکم وضعی و تکلیفی کلاهبرداری از منظر فقه امامیه با تاکید بر آیات قرآن کریم
- نقش ذکر و دعا در سلامتی از منظر آیات و روایات
- بررسی مبانی عدالت در جرایم موجب حد از منظر آیات و روایات
- موانع امر به معروف و نهی از منکر از منظر آیات و روایات
- بازشناسی شادمانی و فرح حقیقی از منظر آیات و روایات

هفتاد و نهمین شماره دفاعیه شیعی اسلام

واکاوی حکم تسلیحات کشتار جمعی

از منظر آیات و روایات

مرتضی حاجی زاده*

(68-45)

چکیده

تسلیحات کشتار جمعی یا سلاح‌های غیرمتعارف، در جامعه جهانی به شدت مورد انزجارند؛ چراکه قدرت تخریب بالا و تحدیدناپذیری، آنها را به کابوسی تلخ برای جامعه جهانی مبدل ساخته است. در دنیای امروز یکی از پرچالش‌ترین مباحث بین‌المللی، استفاده یا عدم استفاده از این نوع سلاح‌ها و حتی تولید و نگهداری آنهاست. پرسش اصلی که در این میان به ذهن خطور می‌کند، این است که آیا قرآن و روایات، تولید و استفاده از این‌گونه تسلیحات را مجاز می‌دانند یا خیر؟ این نوشتار در مقام پاسخ به این پرسش برآمده، در دلایل جواز تولید و استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف

*. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه ساری، Khademorroqayeh@gmail.com

به طور جدی خدشه قرار کرده و قول به عدم جواز را با دلایلی متقن به اثبات رسانده است.
واژگان کلیدی: تسلیحات کشتار جمعی، افساد فی الارض، تناسب دفاع و تجاوز، نفی سبیل، مصلحت.

مقدمه

«تسلیحات کشتار جمعی» در اصطلاح، مترادف سلاح‌های نامتعارف تلقی شده و دارای دو معیار اساسی است: 1. قدرت تخریب بالا 2. تحدیدناپذیری. این نوع تسلیحات، شامل سلاح‌های شیمیایی، باکتریولوژیک و اتمی می‌شوند. در مبانی اسلامی، دلایل بسیاری بر عدم جواز تولید و استفاده از چنین تسلیحاتی وجود دارد؛ اما در این میان برخی ادله، مانند «وَأَنَّ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، اثبات حکم جواز را به ذهن متبادر می‌سازند. ادله جواز، به آیات «وَأَنَّ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، «بِاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» و «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»، روایت «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه...» و قواعدی مانند «مصلحت» بازمی‌گردند؛ ادله عدم جواز نیز عبارت‌اند از: آیه «و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ...» و مفهوم اولویت آن؛ اصل لزوم تفکیک مستفاد از آیه «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ اصل تناسب دفاع و تجاوز؛ حرمت اسراف و تبذیر؛ و لزوم وفای به معاهدات.

نتیجه نهایی با بررسی موشکافانه دلایل موجود در قرآن و سنت روشن خواهد شد.

1. مفهوم‌شناسی تسلیحات کشتار جمعی

اصطلاح «سلاح‌های کشتار جمعی»^۱ برای نخستین‌بار در 28 دسامبر 1937م در گزارش یک خبرنگار در روزنامه‌ی تایمز و در قالب توصیف وضعیت ویرانی‌های ناشی از بمباران شهر گرنیکا^۲ ابداع شد. در ادبیات حقوق خلع سلاح نیز این اصطلاح، مترادف با سلاح‌های نامتعارف تلقی می‌شود (ساعد، 1386: 43).

بعدها در سال 1948م عبارت «تسلیحات کشتار جمعی» در یکی از اسناد کمیسیون «تسلیحات نوع متعارف» به‌کار رفت و از آن پس رواج گسترده‌ای یافت. خاصیت اصلی این نوع سلاح‌ها این است که در کاربردشان، امکان تفکیک و تبعیض میان نظامیان و غیرنظامیان وجود ندارد.

سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آنها یاد می‌شود و در مقابل این سلاح‌ها تسلیحاتی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم‌اند (لطفی، اخگری بناب، فقهی، 1394: 27).

برای روشن‌تر شدن موضوع، دو معیار در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد؛ 1. قدرت تخریب بالایی دارند (ممتاز، 1377: 13)؛ 2. هدف از به‌کارگیری آنها انهدام و کشتار وسیع است و اصلاً قابل تعیین و تحدید نیستند.^۳

1. Weapons of Mass Destruction.

2. شهری در کشور اسپانیا.

3. کمیته‌ی صلیب سرخ جهانی این اظهار نظر را در بیست‌ویکمین کنفرانسی که در سال 1969م در استانبول ترکیه برگزار کرده بود، بیان نمود.

حال با مشخص شدن مفهوم تسلیحات کشتار جمعی و مصادیق آن، به بررسی حکم آن در قرآن و روایات اقدام می‌نماییم.

2. وجوه قابل بحث در مسئله

در خصوص تولید و استفاده تسلیحات کشتار جمعی، دو وجه قابل استنباط است:

1. عدم جواز تسلیحات کشتار جمعی به‌نحو کلی؛ خواه تولید و نگهداری و خواه استفاده¹

2. جواز تولید و استفاده از این نوع تسلیحات

برای هرکدام از این وجوه دلایلی را می‌توان ارائه کرد که در ادامه به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت. *إن شاء الله تعالی*.

2-1. ادله جواز تولید و استفاده تسلیحات کشتار جمعی

مهم‌ترین دلایل جواز، آیات «وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، (نساء: 141) «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»، (انفال: 60) و «وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَالرَّسُولُ وَاللِّمُؤْمِنِينَ»، نبوی مشهور «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» و قاعده «مصلحت» است که باید از نظر سندی و دلالی نقد و بررسی شوند تا روشن شود برای اثبات جواز قابل استناد هستند یا خیر؟

1. رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) در پیامی به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، که 27 فروردین ماه سال 1390 در تهران برگزار شد، فتوای تحریم استفاده از سلاح‌های اتمی را تکرار کردند و فرمودند: «ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (برگرفته از تارنمای www.mehrnews.com به تاریخ 97/2/9).

دلیل نخست: «وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: 141)، که برخی از آن به آیه نفی سبیل تعبیر کرده‌اند (مصطفوی، 1421ق: 293). ظاهر آیه نفی سبیل به معنای نفی هر حکمی است که موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود.

بیان مطلب: لفظ «لَنْ» افاده نفی ابد می‌کند که در این صورت اطلاق آیه ابی از تقييد خواهد بود. لفظ «الْمُؤْمِنِينَ» در استعمالات قرآنی به معنای مطلق مسلمانان آمده است، نه خصوص شیعه اثناعشری. بنابراین، مفاد آیه عبارت است از: نفی هر حکمی که موجب سلطنت کفار بر مسلمانان شود، به هر شکلی که باشد؛ و از اینجا روشن می‌شود که مفاد این آیه بر اطلاقات جمیع ادله اولیه در صورتی که موجب سلطه کفار شوند، حاکم است.

تقریب استدلال: کشورهای استکباری با داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، کشورهای اسلامی و مسئولان آنها را مرعوب می‌کنند و اهداف شوم خود را با تهدید پیش می‌برند. وادادگی‌ای که از این وحشت در جوامع اسلامی ایجاد می‌شود، سبب پذیرش سلطه کفار و مستکبرین عالم توسط مسلمانان خواهد شد. طبق صریح آیه شریفه، هر امری که موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود، ممنوع است؛ در نتیجه کشورهای اسلامی باید سلاح‌های هسته‌ای داشته باشند تا چنین اتفاقی روی ندهد. از همین رو علما در معنای قاعده نفی سبیل گفته‌اند: «معنى القاعدة هو نفى سلطة الكافر على المسلم، و عليه كل عمل من المعاملات و العلاقات بين المسلمين و الكفار إذا كان موجبا لتسلط الكفار على المسلمين فإنه لا يجوز شرعا فرديًا كان أو جمعيًا» (مصطفوی، 1421ق: 293). آنچه از تعاریف مربوط به قاعده نفی سبیل برمی‌آید، عدم جواز سلطه بیگانگان و کفار بر جوامع اسلامی است؛ خواه از طریق اقتصادی باشد یا نظامی یا فرهنگی. این معنا مورد اتفاق تمام علمای اسلام و مطابق با عقل سلیم و وجدان است.

نقد و بررسی: این دلیل مربوط به مواردی است که حکمی موجب سلطه کفار بر مسلمانان شود؛ اما این اول بحث است. سلطه کفار از طریق ساخت سلاح‌های کشتار جمعی بر مسلمانان، چگونه اثبات می‌شود؟ دست‌کم در این مدت چهل‌ساله انقلاب اسلامی، کشورهای مستکبر عالم با وجود داشتن انواع سلاح‌های کشتار جمعی موفق به تغییر سیاست‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی نشده‌اند؛ در حالی که کشوری قدرتمند و دارای سلاح‌های کشتار جمعی مانند شوروی، در نتیجه فشار و توطئه‌های آمریکا و ایادی اش فروپاشید. پس ایستادگی و مقاومت یک ملت بر اصول و ارزش‌ها، حمایتی الهی را در پی دارد که مانع از غلبه و استیلاي دشمنان خواهد شد. نمونه دیگر آن سوریه است که پس از چند سال دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و اروپا نه تنها مرعوب نشد، بلکه بیش از گذشته اقتدار یافت. از سوی دیگر، قدرت بازدارندگی تسلیحات کشتار جمعی امری موقتی است که دیگر در جامعه جهانی کنونی مصرفی ندارد. دلیل این ادعای ما افول روزافزون قدرت‌های استکباری مانند آمریکا است؛ چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه نظامی. بنابراین، تحت سلطه کفار قرار گرفتن مسلمانان در صورت عدم تولید تسلیحات کشتار جمعی، ادعایی بدون دلیل است که بر فرض پذیرش آن، راه مقابله با آن، تولید چنین تسلیحاتی نخواهد بود.

دلیل دوم: نبوی مشهور «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه» (صدوق، 1413ق، ج 4:

334، باب میراث أهل الملل).

تقریب استدلال: این روایت بر برتری مسلمان بر کافر دلالت می‌کند؛ به این بیان که مراد از «علو اسلام»، اعتلا و برتری عملی مسلمانان است. یکی از مصادیق برتری و اعتلای مسلمانان، عدم سلطه کفار بر آنهاست و تولید سلاح‌های هسته‌ای موجب اعتلای جوامع اسلامی بر این کشورها خواهد شد.

نقد و بررسی: اولاً این روایت مرسل است؛ اگرچه شیخ طوسی این روایت را مستند فتوای خویش قرار داده است (طوسی، 1407ق، ج 4: 23)؛ و عمل مشهور در صورتی که استنادش به روایتی قطعی باشد، می‌تواند منجبر ضعف سند آن شود؛ اما انجبار ضعف سند به وسیله عمل مشهور، مبنایی است که خود مورد پذیرش تمامی فقها نیست؛ به‌ویژه در این مورد که استناد عمل مشهور به این روایت قطعی نیست؛ ثانیاً احتمال ارشادی بودن این روایت به این مطلب که اسلام فی‌حد ذاته برتر از ادیان دیگر است، وجود دارد که در این صورت، اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال؛ ثالثاً چه کسی گفته است که داشتن سلاح‌های کشتار جمعی موجب اعتلاء و برتری است؟ برتری یک جامعه بر جوامع دیگر به ارزش‌ها و انسانیت آن جامعه است، نه داشتن تسلیحاتی که موجب ترس دیگر ملت‌ها شود؛ به‌ویژه در دین مبین اسلام که برتری انسان‌ها بر یکدیگر را مرهون مواردی مانند تقوا و خدمتگزاری بیشتر قرار داده است. البته این مطلب جای تأمل بیشتری دارد.

در این میان ممکن است کسی بگوید: «أَنَّ هَذَا النَّبِيُّ بَصَدَّ الْإِخْبَارَ عَنْ كَوْنِ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْأَحْكَامِ فِي هَذِهِ الشَّرِيعَةِ مُوجِبًا لَعَلَّوُ الْإِسْلَامِ وَأَنَّهُ (تَعَالَى) لَمْ يَجْعَلْ حِكْمًا يُوجِبُ عَلَوُ الْكُفْرِ وَتَفَوُّقَ الْكُفَّارِ وَغَلَبَتَهُمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ» (سیفی مازندرانی، 1425ق، ج 1: 247). در این صورت، روایت بالا بر فرض پذیرش صحت سندی آن می‌تواند مورد استدلال این گروه قرار بگیرد؛ البته نه در اثبات حکم اولی جواز تولید و استفاده، بلکه به عنوان حکم ثانوی؛ که در این حالت، همان اشکال مهم دلیل قبلی باقی خواهد بود.

دلیل سوم: آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: 8).

تقریب استدلال: ظاهر این آیه عبارت است از اختصاص عزت به خدا، رسول او و مؤمنان به خدا؛ بنابراین، تسلط کفار بر مسلمانان، به هر نحوی که باشد، با عزت همخوانی ندارد؛ بلکه تسلط کفار مساوی با ذلت مسلمانان

است که قطعاً حرام خواهد بود. مؤید آن نیز معتبره معلی بن خنیس از امام صادق است: « قال الله عز و جلّ: لیأذن بحرب منی من أذلّ عبدی المؤمن» (عاملی، 1409ق، ج 8: 591، باب 147، من أبواب أحكام العشرة، ح 1). برخی از این مطلب به مذاق قطعی شارع تعبیر کرده و آن را از ضروریات دین شمرده‌اند (سیفی مازندرانی، 1425ق، ج 1: 248).

نقد و بررسی: عزت خدا و پیغمبر و مؤمنان، در گرو داشتن سلاح‌های غیرمتعارف نیست که در صورت نداشتن آن، موجب ذلت ایشان شود و این استدلال زمانی تمام است که اثبات کند در صورت نداشتن این نوع تسلیحات، مسلمانان ذلیل می‌شوند؛ مگر اینکه کسی بگوید: اگر مسلمانان چنین سلاح‌هایی را نداشته باشند، کفار با تهدید و مرعوب ساختن ایشان، آنان را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های نامشروع خویش می‌کنند که همین امر موجبات خواری مسلمانان را فراهم خواهد آورد؛ در نتیجه تولید این نوع تسلیحات جایز است؛ که البته ادعایی بدون دلیل و صرفاً بر اساس ظنیات است و ما در اشکال به‌دلیل اول به آن پرداختیم. افزون‌بر اینکه این دلیل مربوط به عزت است، نه تسلط؛ از این‌رو دلیل، اخص از مدعاست.

دلیل چهارم: آیه شریفه «و أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...» (انفال: 60).

تقریب استدلال: واژه «قوة» به‌معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد؛ و در جنگ به‌معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است (طوسی، ج 5: 147)؛ بنابراین، شامل هر نوع تجهیزاتی برای مبارزه با دشمنان اسلام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، تولید و استفاده از هر نوع سلاح جنگی که موجب ترس دشمنان خدا و مؤمنان شود، بر طبق این آیه جایز است. این عمومیت، افزون‌بر اینکه از مفهوم واژه «قوة» استفاده می‌شود، از سیاق آیه شریفه نیز قابل استنباط است؛ زیرا جمله

«مَا اسْتَطَعْتُمْ» عام است و کلمه «قُوَّة» که به صورت نکره آمده است، عمومیت آن را تقویت می‌کند و هرگونه نیرویی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، 1374، ج 7: 225؛ طیب، 1387، ج 6: 151). در روایات نیز به مصادیقی از کلمه «قُوَّة» اشاره شده است که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت دارد؛ از جمله: پرتاب، سپر، شمشیر و رنگ کردن موی سربازان (قمی، 1367، ج 1: 279؛ العیاشی، 1380، ج 2: 66، ح 73). شاید به همین دلیل بسیاری از فقها با استناد به همین آیه، تجهیز قوا و آمادگی دائمی در تمامی عرصه‌ها، به‌ویژه در بعد نظامی، آن‌هم متناسب با علم و فناوری روز را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر قلمداد کرده‌اند (موسوی خمینی، ج 1: 486، مسئله 7؛ خویی، 1410ق، ج 1: 371، مسئله 16). در واقع از اطلاق آیه شریفه، حکم جواز تولید و استفاده از هر نوع سلاحی، اعم از متعارف و غیرمتعارف، قابل استنباط است.

نقد و بررسی: اولاً باید غرض شارع مقدس از تشریح لزوم تجهیز و آمادگی همه‌جانبه در برابر دشمن را مشخص کرد. با تعلیلی که خود آیه ارائه می‌دهد، روشن است که هدف از چنین تکلیفی ویرانی زمین و کشتزارها و نابودی مردم بی‌گناه نیست؛ بلکه هدفش ترساندن دشمنان خدا و مؤمنان است که نتیجه آن، صلح پایدار در جهان است. این در حالی است که تولید تسلیحات کشتار جمعی، خود مقدمه‌ای برای گسترش و ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی است که صلح جهانی را به شدت تهدید می‌کند و خود مسلمانان را نیز آماج تهدیدها و نگرانی‌ها قرار خواهد داد. نکته دیگر اینکه براساس آیه 60 سوره مبارکه انفال، این آمادگی همه‌جانبه باید با هدف ایجاد رعب در دل دشمنان توحید و عدالت باشد تا جرئت تعدی به حریم کشور اسلامی را نداشته باشند؛ اما آیا با تولید تسلیحات کشتار جمعی، همه این تهدیدات ضد صلح و امنیت جهانی برطرف خواهد شد؟

صاحب تفسیر *المیزان* بر این نکته تأکید می‌کند که بر اساس مفاد این آیه شریفه، تجهیز نیرو برای ترساندن دشمن یک غرض فرعی است و هدف اصلی از آن، تحقق قسط و عدل و نابودی فساد است. وی در این باره می‌نویسد:

هرچند ترساندن دشمن به وسیله تدارک دیدن نیرو، خود از اغراض صحیحی است که فواید بزرگی بر آن مترتب است، لیکن غرض اصلی از تهیه دیدن قوا، ارهاب نیست تا تمامی غرض را برساند؛ و به همین جهت به دنبال آن فرمود: «و ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ چون غرض حقیقی از تهیه نیرو این است که به قدر توانایی‌شان بتوانند دشمن را دفع کنند و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموسشان را تهدید می‌کند، حفظ نمایند؛ و به عبارت دیگری که با غرض دینی نیز متناسب‌تر است، باید به قدر توانایی‌شان نائره فساد را - که باعث بطلان کلمه حق و هدم اساس دین فطری می‌شود و نمی‌گذارد خدا در زمین پرستش شود و عدالت در میان بندگان خدا جریان یابد خاموش سازند» (طباطبایی، 1417ق، ج 9: 116)؛

بنابراین، با نظر به اقتضای شائی آیه نسبت به هر نوع سلاحی که برای به فعلیت رسیدن، نیازمند عدم المانع است و عدم المانع می‌تواند معاهدات بین‌المللی باشد، به نظر می‌رسد حکم بسیاری از فقها و مفسرین به جواز مقاتله با دشمن به هر وسیله ممکن یا ادوات جنگی همان عصر بر حسب نیاز آن زمان بوده، از این رو این آیه انصراف به سلاح‌های متعارف دارد.

دلیل پنجم: قاعده مصلحت؛ بر اساس مصالح عمومی جامعه اسلامی، ولی فقیه می‌تواند در حوزه حکومت به منظور دفاع از جان، مال و ناموس مسلمانان به تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی حکم نماید.

بیان مطلب: مصلحت از ماده «صلح» و به معنای «منفعت» در مقابل «فساد» قرار دارد (اصفهانی، 1412ق: 489؛ طریحی، 1416ق، ج 2: 386). گرچه برخی معنای مصلحت را اعم از منفعت دانسته‌اند (علم الهدی، 1389: 269-235). وجود مصالح و مفاسد در وضع احکام در فقه شیعی مورد اتفاق است، چنان‌که صاحب جواهر می‌گوید:

از روایات و سخنان فقها، بلکه از ظاهر قرآن استفاده می‌شود که تمام معاملات و غیر آن‌ها به منظور مصلحت‌ها و منفعت‌های دنیوی و اخروی مردم، یعنی هر آنچه در منظر عرف مصلحت و منفعت نامیده می‌شود، تشریح شده‌اند (نجفی، ج 22: 334).

مصلحت در فقه شیعی اگرچه منبعی مستقل در استنباط حکم شرعی محسوب نمی‌شود؛ اما پس از انقلاب اسلامی در بعد فقه سیاسی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. عنصر مصلحت برای مسائل جدید و به‌ویژه در احکام حکومتی، از جمله اختیاراتی است که به حاکم اسلامی داده شده و اطاعت از او در این زمینه واجب است و مبنای این نظرگاه، امتداد ولایت فقیه در طول ولایت رسول الله است؛ از این رو با توجه به فتاوی علمای در ابعاد مختلف مانند اجبار محکوم به فروش مال (مفید، 1413ق: 616؛ طوسی، 1400ق: 374؛ شهید ثانی، 1413ق، ج 1: 141؛ نجفی، ج 22: 485؛ موسوی خمینی، ج 1: 432). سرزمین‌های جنگی (طوسی، 1387، ج 1: 235). آباد کردن زمین‌ها (نجفی، ج 38: 59) بخشیدن جوایز از بیت‌المال (نجفی، ج 28: 225-226) تثبیت قیمت کالاها و محدود نمودن تجارت (موسوی خمینی، ج 2: 558) و فروش سلاح به

دشمنان دین (انصاری، 1415، ج 1: 151-152) می‌توان چنین نتیجه گرفت که حاکم اسلامی در مواردی که منفعت عمومی مسلمانان اقتضا می‌کند، می‌تواند به تولید، نگهداری و حتی استفاده از تسلیحات کشتار جمعی حکم دهد.

نقد و بررسی: ابتدا باید توجه داشت که حکم حکومتی به حکمی اطلاق می‌شود که ولیّ جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده طبق مصالح عمومی، برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی با مردم، سازمان‌ها با یکدیگر، افراد با یکدیگر و در زمینه مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی، نظامی، جنگ و صلح، بهداشت، عمران و آبادی، راه‌ها، اوزان و مقادیر، ضرب سکه، تجارت داخلی و خارجی، امور ارزی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظافت و زیبایی شهرها و سرزمین‌ها و سایر مسائل، مقرر داشته است (گرگی، 1369، ج 2: 287).

بنابراین، «مصلحت» در احکام حکومتی، از جایگاه خاصی برخوردار است و چنین احکامی بر مبنای مصلحت‌سنجی حاکم جامعه وضع می‌شوند (کرکی عاملی، 1414ق، ج 9: 24) و تا زمانی که مصلحت حکم باقی باشد، حکم آنها نیز باقی است؛ اما نکته حائز اهمیت این است که و رای احکام الهی، مصلحتی وجود ندارد و مصلحت‌سنجی باید در راستای تأمین اهداف دین و در گستره شریعت باشد؛ از این رو امام خمینی فقه را نه تنها معارض با مصلحت نمی‌دانست، بلکه مصالح را از درون آن و با استفاده از روش‌های فقهی، قابل شناسایی و اجرا شدن معرفی کرد (همان، 1414ق، ج 21: 98). از طرفی، فقه جواهری از نظر ایشان به‌عنوان مبنای اصلی فقه‌ورزی مورد توجه ویژه قرار گرفت (موسوی خمینی، 1369، ج 20: 56).

اکنون باتوجه به مقدمات یادشده باید به سه نظر برجسته در زمینه کاربرد مصلحت‌سنجی در احکام حکومتی اشاره کنیم تا روشن شود مستدل بر مبنای کدام دیدگاه حکم به جواز را صادر می‌کند؛

1. حکم حکومتی فقط در چهارچوب احکام اولیه و ثانویه قرار می‌گیرد و حاکم اسلامی فقط موضوع را تشخیص می‌دهد و حکم را بر آن منطبق می‌سازد. از این منظر، حکم حکومتی به‌تنهایی نمی‌تواند منشأ صدور حکم قرار گیرد؛ بلکه باید بر اساس احکام ثانویه ارزیابی شود (تجفی کاشف‌الغطاء، 1422ق، ج 1: 551).

2. حکم حکومتی فقط در دایره احکام غیر الزامی (مباح، مکروه و مستحب) قابل اجراست (صدر، 1417ق: 400-402؛ و 725-726).

3. حکم حکومتی در همه زمینه‌ها، الزامی و غیر الزامی، قابلیت طرح دارد (موسوی خمینی، 1369، ج 17: 202)؛ از این رو امام خمینی محدود کردن اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعی را موجب بی‌معنا شدن ولایت مطلقه مّفوّضه به نبی اسلام می‌داند، حکومت را شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول خدا ﷺ معرفی می‌کند و آن را در زمره احکام اولیه اسلام قرار می‌دهد (همان، ج 20: 170)

درباره نظر نخست، این پرسش مطرح می‌گردد که در مواقع صلح چه تزاممی مطرح است که به مصلحت‌سنجی حاکم اسلامی و صدور حکم تولید تسلیحات کشتار جمعی بینجامد؟ از طرفی، آیا بر فرض وجود تزامم، حتی در زمان جنگ، می‌توان حکم از بین بردن مردم غیرنظامی یک کشور را صادر کرد؟ باتوجه به آیات موجود در زمینه حرمت نسل‌کشی (اسراء: 33 و مائده: 32) و قاعده «وزر» مستخرج از آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (فاطر: 18)» به‌یقین چنین حکمی بر اساس این دیدگاه قابلیت بحث خواهد داشت و مستدل با این دیدگاه نمی‌تواند حکم به جواز دهد.

بر اساس نظر دوم نیز باید گفت، در مواردی که شارع مقدس حکم به حرمت یا وجوب داده است، مصلحت‌سنجی حاکم معنایی نخواهد داشت؛ چراکه این دیدگاه، محدوده مصلحت‌سنجی را در قلمرو احکام غیرالزامی می‌داند.

در خصوص نظر سوم باید توجه داشت که هدف شارع از بعث انبیا و وضع احکام، رساندن آحاد جامعه بشری به کمال انسانی است که این هدف با صدور حکم جواز تولید و استفاده از این نوع سلاح‌ها در تضاد است؛ به‌گونه‌ای که در جنگ با کفار در صدر اسلام، هرچند در آن زمان شاید به‌نظر برخی مصلحت در بهره‌گیری از سلاح‌های کشتار جمعی بود، پیامبر ﷺ اجازه استفاده از آنها را ندادند (مجلسی، 1404ق، ج 19: 177-178) یا تعدی به افراد بی‌طرف در جنگ را منع کردند (همان، ج 21: 60) و از تعرض به زنان و کودکان پرهیز می‌دادند (همان، ج 97: 65) و همچنین ممانعت جدی از قطع درختان داشتند (همان، ج 19: 179). اینها بیانگر سیره نبوی‌اند که افزون‌بر مصالح عمومی جامعه اسلامی، به منافع و مصالح جامعه جهانی و آینده آنان و نسلشان نیز توجه داشتند؛ در نتیجه، حتی اگر نظر سوم را بپذیریم، به‌یقین نمی‌توانیم حکم به جواز استفاده از این تسلیحات را صادر کنیم. از طرفی، درست است که مصلحت در اندیشه امام خمینی بسان ابزاری برای حل و فصل تراحم دو حکم در سطح راهبردی مطرح است که امکان تعیین تکلیف مصداق را در فضای «حرمت - حلیت»، «حرمت - حرمت» و «حلیت - حلیت» می‌دهد (افتخاری، 1392: 93)، اما خود ایشان نیز در زمان دفاع مقدس با وجود حمله شیمیایی دولت منحوس صدام به ایران، دستور ساخت و استفاده از تسلیحات شیمیایی را صادر نکردند و این خود گویای این مطلب است که ساخت و استفاده از این نوع سلاح‌ها هیچ مصلحتی برای عموم مسلمانان و جامعه جهانی ندارد.

2-2. ادله عدم جواز تسلیحات کشتار جمعی؛ نظر برگزیده

اصل اولی در مسئله:

پس از بیان ادله موجود در زمینه حکم تسلیحات کشتار جمعی، به تأسیس اصل کلی در این باره می‌پردازیم تا بر فرض عدم پذیرش ادله یاد شده، بتوانیم وظیفه دستگاه‌های نظامی را در این زمینه به‌دست آوریم. آنچه از اطلاقات و عمومات ادله‌ای مانند «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: 32)، «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: 205) «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ بِالْإِثْمِ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُعْتَدُونَ» (نساء: 90)، «و لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (انعام: 151) و «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره: 194) به‌دست می‌آید، اصل اولی حرمت تجاوز، تعدی، کشتن و اذیت و آزار دیگران، حتی غیرمسلمانان است. اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص یا تقیید خارج شده است، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا خیر، مرجع عموم و اطلاقات ادله اولیه است.

البته ادله عدم جواز عبارت‌اند از: ممنوعیت افساد فی الارض؛ ممنوع بودن اسراف و تبذیر؛ لزوم رعایت تفکیک؛ تناسب دفاع و تجاوز؛ و پایبندی به پیمان‌های منع تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی. در اینجا به‌صورت خلاصه به بررسی این ادله می‌پردازیم.

دلیل نخست: «و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: 205)؛ و چون برگردد (یا ریاستی یابد)، کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت، زراعت‌ها، چهارپایان و نسل را نابود سازد؛ و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد».

تقریب استدلال: با دقت در معانی متعدد در واژه «افساد»، این نکته روشن می‌شود که همه این معانی در معنایی جامع و کلی اشتراک دارند که عبارت است از: «خروج از حالت اعتدال و صحت» (راغب اصفهانی، 1412ق: 63؛ طوسی، ج 1: 75؛ سبزواری، 1409ق، ج 3: 216؛ جوادی آملی، 1387، ج 2: 271؛ ابن‌هائم، 1423ق: 50؛ قرطبی، 1364، ج 1: 202). فساد در آیه یاد شده، فساد تشریعی است (طباطبایی، 1417ق، ج 2: 144؛ همان، ج 10: 225). بنابراین، مراد از «فساد در زمین» در این قبیل از آیات شریفه، ایجاد اختلال و تباهی در وضعیت زندگی مطلوب بشری، از نظر آرامش، محل زندگی و امنیت جانی، مالی و عرضی و مانند آن است (هاشمی شاهرودی، 1417: 108) که از آن به فساد تشریعی تعبیر می‌شود؛ فسادی که به‌دست بشر پدید می‌آید (طباطبایی، 1417ق، ج 2: 96-97؛ عمیق، 1388: 105). پس این واژه زمانی که به کلمه «الارض» اضافه شود، بر هر عملی که به‌دست بشر انجام و موجب اختلال در طبیعت و نظم حاکم در خلقت و تکوین اشیا شود، تطبیق‌پذیر است (ابن‌عاشور، ج 17: 30)؛ مانند قتل، غارت، ویرانی و اهلاك، اتلاف نفوس و اموال و أعراض، اشاعه فواحش، ظلم، اذیت و طغیان و سرکشی (حائری‌تهرانی، 1377، ج 4: 342)؛ از سوی دیگر، با عنایت به دیدگاه‌های فقهی می‌توان گفت از دیدگاه فقها، افساد در زمین یعنی هر عمل شرارت باری که امنیت، سلامت و حیات مجتمع اسلامی را به اختلال و نابسامانی می‌کشاند (الشیب، 1421ق: 118). به‌عین‌دیگر، افساد به هرگونه تباهی و عمل شرارت‌بار و اقدام معصیتی اطلاق می‌شود که موجب سلب امنیت روحی و روانی افراد جامعه یا ایجاد رعب و وحشت یا کشتار مردم بی‌گناه و تخریب و نابودی اموال عمومی و غیرنظامی یا اختلال در طبیعت و نظم حاکم بر خلقت و تکوین اشیا باشد (لطفی، اخگری بناب، فقهی، 1394: 97). در نتیجه، تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی، به‌دلیل سلب امنیت روحی و روانی از مردم دنیا، تخریب گسترده و اجتناب‌ناپذیر محیط‌زیست،

اعم از انسانی و غیر انسانی، و اختلال در نظام طبیعت، به صورت مطلق ممنوع است.

مفهوم «اولویت» از شأن نزول آیه نیز مؤید چنین برداشتی است. بیان مطلب این است که شأن نزول این آیه، در خصوص افساد در زمین از طریق آتش زدن کشتزارها و پی کردن چند شتر است؛ پس به طریق اولی به کارگیری تسلیحاتی که به طور گسترده موجب مرگ انسان‌های بی‌گناه و تخریب وسیع محیط تا چندین کیلومتر می‌شوند، مصداقی بارز از مصادیق این آیه خواهد بود.

نقد و بررسی: این دلیل در نگاه ابتدایی، شامل تولید نمی‌شود و تسری آن به مرحله تولید، خالی از اشکال نمی‌نماید؛ مگر اینکه کسی بگوید افساد در زمین به دلیل آلودگی‌های زیست‌محیطی و هزینه‌های بسیار بالا و ارعاب جامعه جهانی، حتی با تولید سلاح‌های کشتار جمعی نیز تحقق می‌یابد؛ در نتیجه تولید این نوع تسلیحات جایز نخواهد بود؛ که ممکن است در پاسخ، کسی بگوید که اگر بخواهیم بر اساس این دلیل، حکم به عدم جواز تولید یک شیء بدهیم، باید همین حکم را در خصوص فناوری‌های روز، مانند تلفن همراه و اینترنت نیز بیان نماییم؛ زیرا ضرر این وسایل نیز بالاست: آلودگی‌های زیست‌محیطی فراوان، آسیب‌های جدی بر سیستم عصبی و جسم انسان‌ها، هزینه از بین بردن وسایل فرسوده الکترونیکی و بسیاری هزینه‌های جاری که دنیا را درگیر خود کرده است. بنابراین، جریان حکم عدم جواز تولید به این دلیل، پذیرفته نخواهد بود. در پاسخ به این اشکال خواهیم گفت: این قیاس، مع الفارق است؛ چراکه اولاً آلودگی‌های زیست‌محیطی این فناوری‌ها ادعایی است که نیاز به اثبات دارد؛ ثانیاً اگر بپذیریم چنین آلودگی‌هایی را به دنبال دارند، قطعاً بسیار کمتر از آلودگی‌های حاصل از تسلیحات کشتار جمعی است که به صورت مستقیم انسان‌ها، حیوانات و گیاهان

را دچار مشکلات اساسی می‌کنند؛ ثالثاً هزینه‌ای که در خصوص فناوری‌های یادشده مصرف می‌شود، بازخورد متناسبی نیز دارد؛ اما در تولید تسلیحات کشتار جمعی، نتیجه‌ای جز ارعاب جامعه جهانی و تخریب محیطزیست وجود ندارد. از نظر نگارنده، این دلیل تام است و مرحله تولید سلاح‌های کشتار جمعی را هم دربرمی‌گیرد و حکم حرمت تولید چنین تسلیحاتی را می‌توان از آن استنباط کرد.

دلیل دوم: ممنوعیت اسراف و تبذیر. در تقریب استدلال باید گفت با تدقیق در مصادیق اسراف در قرآن کریم، می‌توان نتیجه گرفت: اسراف «بر هرگونه زیاده‌روی و تجاوز از حد اعتدال اطلاق می‌شود که در شرع، عقل یا عرف لحاظ شده است» (مصطفوی، 1402ق، ج 5: 109). از نظر لغوی فرق چندانی بین دو واژه «اسراف» و «تبذیر» نیست؛ (همان)؛ جز اینکه واژه اسراف اعم از تبذیر است که در برخی منابع فقهی نیز پذیرفته شده است (عراقی، 1414ق، ج 3: 16؛ نراقی، 1417ق: 620) و تبذیر، هزینه اموال در جایی است که شایسته نیست چنین هزینه‌هایی برای آن شود (اسدی حلی، 1407ق، ج 2: 516). با بررسی متون فقهی، با دو معیار در خصوص تحقق اسراف و تبذیر روبه‌رو می‌شویم: 1. عرف متحمل شدن چنین هزینه‌هایی را اتلاف و تباه کردن مال یا ضد اخلاق بشمارد. به عبارت دیگر هیچ غرض عقلایی یا شرعی بر انجام این هزینه‌ها مترتب نباشد (نراقی، 1417ق: 635؛ اشتهاودی، 1417ق، ج 6: 301؛ طباطبایی حکیم، ج 3: 649؛ خویی، 1418ق، ج 13: 215؛ محقق سبزواری، ج 1: 584؛ عراقی، 1414ق، ج 3: 16).

2. ثروت در مسیر حرام و انجام کارهایی که خلاف شرع مقدس است، قرار گیرد (اسدی حلی، 1333ق، ج 14: 206؛ عاملی (شهید ثانی)، 1413ق، ج 4: 152).

با ذکر مطالب پیش‌گفته و عدم امکان محدودیت در قدرت انفجاری تسلیحات کشتار جمعی و جلوگیری از کشتار غیرنظامیان و تخریب محیط زیست، اقدامات مسرفانه نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، به

همان اندازه که قدرت تخریب این‌گونه تسلیحات قابل تحدید (و اندازه گیری) نیست، پیامدهای اسرافى آنها نیز اجتناب‌ناپذیر است (لطفی، اخگرى بناب، فقهی، 1394: 114).

مؤید این دلیل، روایتی است از امام صادق ذیل آیه شریفه 33 سوره مبارکه اسراء: «المسرفون هم الذین یستحلّون المحارم و یسفکون الدماء» (طوسی، 1400ق، ج 3: 504؛ طبرسی، 1360، ج 3: 290). این دلیل، حتی تولید سلاح‌های کشتار جمعی را مصداق اسراف می‌داند؛ به این دلیل که هزینه تولید این نوع سلاح‌ها و آثار زیان‌بار زیست‌محیطی‌شان به قدری بالاست که بر منافع آن غلبه دارد و به حکم عقل، امری قبیح و ناپسند شمرده می‌شود (لطفی، اخگرى بناب، فقهی، 1394: 120) و در حرمت اسراف، میان فقها اختلافی نیست؛ چنان‌که مرحوم نراقی در این زمینه می‌نویسد: «فی تحریمه و هو مما لا کلام فیهِ و یستدلّ علیه الاجماع القطعی بل الضرورة الدینیة و الایات الكثیرة و الاخبار المتعددة...» (نراقی، 1417ق: 616).

نقد و بررسی: مدعای مستنبط از دلیل فوق این بود که تولید سلاح‌های غیرمتعارفی مانند سلاح هسته‌ای، هزینه‌های فراوانی دارد و از مصادیق اسراف است و جایز نیست.

ممکن است کسی در مقام اشکال به این استدلال، به محور اساسی در معنای اسراف استناد کند و چنین بگوید: در تولید این نوع سلاح‌ها غرض عقلایی و شرعی وجود دارد: بازداشتن دشمنان اسلام از حمله به کشورهای اسلامی و مانع شدن از تسلط بیگانگان بر این کشورها. همین غرض در عدم صدق معنای اسراف و تذبذیر در تولید و نگهداری و هزینه‌های جاری آنها کفایت می‌کند. در پاسخ می‌گوییم: درست است که از این حیث می‌توان حکم حرمت اسراف را در خصوص تولید این نوع سلاح‌ها منتفی دانست، اما این

ابتدای بحث است؛ زیرا ما قبول نداریم غرض عقلایی معتنابه در تولید این نوع از سلاح‌ها وجود داشته باشد؛ بلکه عکس این مطلب را معتقدیم؛ چنان‌که تا کنون جز معدودی از کشورها به تولید این سلاح‌ها مبادرت نورزیده‌اند و فقط یک کشور به‌صورت کاربردی از آنها بهره برده است و این خود دلیلی روشن بر اذعان عقلای عالم بر ناعاقلانه بودن تولید آنهاست؛ چراکه تولید این تسلیحات، به‌صرف هزینه‌های بسیار هنگفت نیاز دارد و نگهداری آنها نیز با مشکلات زیست‌محیطی فراوانی دست‌به‌گریبان است؛ تاجایی‌که بسیاری از مردم کشورهای دارای این فناوری مخرب، سالانه به‌بهانه‌های مختلف ضد این اقدامات دولت خود به راهپیمایی و اعتراضات خیابانی می‌پردازند. در نتیجه، غرض عقلایی در تولید این تسلیحات وجود ندارد یا اگر هم وجود داشته باشد، بسیار کمتر از ضرر موجود در آن است که به‌حکم عقل و نقل، در چنین مواردی که ضرر چیزی بسیار کمتر از نفع آن باشد، انجامش قبیح و ناپسند است. مؤید این مطلب، این آیه شریفه است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: 219).

دلیل سوم: اصل لزوم تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان. این اصل که مستفاد از آیه شریفه «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَالِتُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: 190) است، تنها جنگ با کسانی را مجاز می‌داند که به جنگ مسلمانان آمده‌اند. لزوم رعایت اصل تفکیک در مخاصمات مسلحانه، یک اصل کلی است که به مصادیق معین منحصر نمی‌شود. مهم‌ترین محورهای اصل تفکیک عبارت‌اند از: 1. تفکیک میان غیرنظامیان و نظامیان 2. تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی. در خصوص مورد نخست، به بیانی از شیخ طوسی بسنده می‌کنیم: «و لا يجوز قتال النساء فإن قاتلن المسلمین و عاونّ أزواجهنّ و رجالهنّ أمسک عنهنّ فإن اضطرّوا الی قتلهنّ جاز حينئذٍ قتلهنّ و لم یکن به بأس» (طوسی، 1400ق، ج 1: 292). درباره مورد دوم نیز باید

گفت: دلایلی از آیات و روایات این محور را اثبات می‌کنند: «و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: 205). از روایات نیز می‌توان به روایت مسعده بن صدقة از امام صادق اشاره نمود که در آن نقل شده است: پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که می‌خواستند فرماندهی را عازم سریه‌ای سازند، او را از تخریب درختان و مزارع و همچنین از نابودی حیوانات نهی نمودند (طوسی، 1376، ج 6: 138-139، روایت 2؛ کلینی، 1407ق، ج 5: 29-30، روایت 8؛ عاملی، 1409ق، ج 15، ص 58، روایت 19986؛ مجلسی، 1404ق، ج 19: 179، روایت 27). از سوی دیگر به‌طور قطع و یقین، قدرت انفجاری، تخریبی و آلاینده‌ی تسلیحات کشتار جمعی چنان گسترده است که نه قابل پیش‌بینی است و نه امکان محدودسازی آن برای منطقه خاصی مانند منطقه جنگی وجود دارد. بر همین اساس در صورت کاربرد این تسلیحات، امکان رعایت اصل تفکیک، نه در مورد اشخاص و نه در مورد اهداف غیرنظامی، وجود نخواهد داشت. بنابراین، طبق ادله یادشده، کاربرد تسلیحات غیرمتعارف، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای، جایز نیست.

نقد و بررسی: ممکن است کسی اشکال کند و بگوید: این دلیل مربوط به مرحله استفاده است و تعمیم آن به مرحله تولید، نیازمند قرینه است. افزون‌بر اینکه صرف شک در موضوعیت این مرحله، در عدم اثبات حکم عدم جواز در خصوص آن کافی است، در پاسخ به آن می‌گوییم: می‌توان لزوم تفکیک را در مرحله تولید نیز فرض کرد. بیان مطلب اینکه با تولید سلاح‌های کشتار جمعی، ایجاد ترس، تنها شامل نظامیان نخواهد شد؛ بلکه بیش از آنها گریبان غیرنظامیان را خواهد گرفت که در این صورت، امنیت روحی جوامع انسانی را مختل کرده، نتیجه عکس خواهد داد؛ زیرا اسلام به‌دنبال تعالی جوامع بشری است که با ایجاد وحشت در میان آنها روحیه پذیرش دعوت حق قطعاً کاهش خواهد یافت و این با تعالیم اسلام سازگاری ندارد.

دلیل چهارم: تناسب دفاع و تجاوز. بر اساس آیه اعتدا: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره: 194)، «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: 190) و «و إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» (نحل: 126)، دفاع در برابر تجاوز دشمن باید در همان حد تعدی صورت گرفته باشد و تجاوز از میزان ظلم، خود، تجاوز و ظلم است. در روایات نیز به این نکته تصریح شده است؛ چنان‌که امام صادق می‌فرماید: «قال رسول الله ﷺ من قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (کلینی، 1407ق، ج 5: 52). در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی، به‌دلیل قدرت تخریبی بسیار بالا امکان تناسب در دفاع وجود ندارد و قطعاً افراد بی‌گناه در انفجار این نوع از تسلیحات غیر متعارف نابود خواهند شد. در نتیجه، استفاده از این نوع سلاح‌ها در مقام دفاع مصداق دفاع، مشروع و مماثل نیست و از این‌رو جایز نخواهد بود.

نقد و بررسی: این دلیل در خصوص مرحله استفاده از سلاح یا هر امر دیگری در پاسخ‌گویی به تجاوز و تعدی طرف مقابل است و بعید است بتوان حکم مرحله تولید تسلیحات کشتار جمعی را از آن استفاده نمود. بنابراین، دلیل فوق اخص از مدعاست.

دلیل پنجم: پایبندی به پیمان‌های منع تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی. این دلیل بر اهمیت وفای به عهد در اسلام مبتنی است که به آیاتی مانند «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَ لَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل: 91) و «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: 7) و همچنین، به روایاتی مثل «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» (مجلسی، 1404ق، ج 69: 198) بازگشت دارد.

بیان مطلب اینکه اگر کشورهای اسلامی با کشورهای دیگر معاهده منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را امضا کردند، ملزم به رعایت مفاد

آن هستند و حق نقض این پیمان را ندارند؛ در نتیجه نقض آنها جایز نخواهد بود.

نقد و بررسی: این دلیل، فرع بر پذیرش عدم جواز تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی است؛ زیرا اگر قائل به جواز تولید این نوع تسلیحات باشیم، فقط در صورت وجود غرضی مهم‌تر، مجاز به امضای چنین معاهده‌ای هستیم؛ به‌ویژه در این دوران که کشورهای استکباری حق تولید و نگهداری تسلیحات کشتار جمعی را برای خود قائل‌اند و با همین حق خودخوانده، اجازه هر نوع تهدید و تجاوز به کشورهای دیگر را می‌دهند. از طرفی، دو احتمال از سوی فقها درباره شمول این دلیل مطرح شده است: یکی عام بودن «العقود»، که تمامی عقود معین و غیرمعین را شامل می‌شود و عقود را توقیفی نمی‌داند (سبزواری، 1413ق، ج 20: 124؛ موسوی خمینی، ج 1: 50؛ مطهری، ج 20: 262-263)؛ دیگری توقیفی بودن عقود در اسلام و عدم شمول عقود جدید توسط «العقود» (نراقی، 1417ق: 12؛ همان: 7-8؛ مامقانی، 1316، ج 2: 241؛ همان، ج 26: 161؛ نجفی، ج 22: 212؛ گیلانی، 1413ق، ج 2: 41؛ حسینی عاملی، 1409ق، ج 20: 121)، که در این صورت امضای معاهدات بین‌المللی از دایره حکم خارج می‌شود و در نتیجه باید گفت: اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

بنابراین، از میان ادله یادشده، سه دلیل اول تام‌اند و مرحله تولید را نیز دربرمی‌گیرند و افزون‌بر حرمت استفاده و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی، حکم حرمت تولید این نوع از سلاح‌ها نیز از این دلایل قابل استنباط است؛ اما ادله دیگر در اثبات مدعا کافی نیستند، شامل مراحل تولید یا نگهداری نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

تسلیمات کشتار جمعی، همان تسلیمات غیرمتعارف‌اند که دارای دو معیار اساسی‌اند: قدرت تخریب بالا و تحدیدنپذیری. درباره تولید و کاربرد این نوع سلاح‌ها دو وجه متصور است: 1. حرمت مطلقاً 2. جواز مطلقاً. نگارنده با بررسی ادله قرآنی و روایی، دلایل جواز تولید، نگهداری و استفاده را تمام نمی‌داند و در نهایت قول به عدم جواز را برگزیده است. افزون‌بر اینکه اصل اولی بر اساس عموم و اطلاقات ادله موجود، حرمت به‌صورت مطلق است. در این‌میان، بررسی بیشتر در خصوص موضوع یادشده و ارائه آن در مجامع علمی، کنفرانس‌ها و همایش‌های داخلی و بین‌المللی، امری بسیار ضروری می‌نماید تا بتوان از این طریق منش جوانمردانه اسلام ناب و یکی از مبانی ارزشمند نظام مقدس جمهوری اسلامی را به جهانیان عرضه داشت و در برابر اسلام‌هراسی و هجمه دشمنان دین و انسانیت به آن، ایستادگی کرد. این مهم در عرصه داخلی نیز بسیار حائز اهمیت است؛ چنان‌که با تبیین نظرگاه فقهی- قرآنی در این زمینه برای نیروهای مسلح، می‌توان بر عمق بصیرت و معرفت ایشان افزود تا نوع تحقیقات و سازه‌های جنگی آنها دقیقاً با موازین اسلامی منطبق باشد. والله العالم.

منابع:

القرآن الکریم.

ابن عاشور، محمدبن طاهر. *التحریر و التتویر*، ج 17، دار النشر التونسیه للنشر، 1984م.

ابن هائم، شهاب‌الدین احمد (1423ق). *التبیین فی تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.

اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (1333ق). *منتهی المطالب فی تحقیق المذهب*، محقق و

مصحح: شیخ حسین پیشنماز احرابی، مطبعة الحاج احمد آغا و محمود آغا، ج 14.

اشتهاردی، علی‌پناه (1417ق). *مدارک العروة*، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر، ج 6.

افتخاری، اصغر (1392). «تبارشناسی قاعدهٔ مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، مجلهٔ سیاست متعالیه، انجمن مطالعات سیاسی حوزه، تابستان 92، دوره 1، ش 1، 79-96.
انصاری دزفولی، مرتضی بن محمدامین (1415ق). مکاسب محرمة، قم، کنگرهٔ شیخ اعظم انصاری، ج 1.

جوادی آملی عبدالله (1387). تسنیم، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء، ج 2.
حائری تهرانی، علی (1377). مقنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج 4.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع صلا و عدم اشاعه، 1390/1/27، برگرفته از تارنمای: www.mehrnews.ir به تاریخ 1397/2/9.
حسینی عاملی، جواد بن محمد (1419ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 20.

حکیم طباطبایی، محسن. نهج الفقاهة. قم، 22 بهمن، ج 3.
حکیم طباطبایی، محمدسعید (بی‌تا). مصباح المنهاج- الطهارة. قم، مؤسسه المنار.
حلی، ابن‌ادریس (1410ق). السرائر، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.

حلی، جمال‌الدین احمد (1407ق). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 2.

خویی، ابو القاسم (1410ق). منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، ج 1.
_____ (1418ق). موسوعة الامام خویی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام خویی، ج 13.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق). المفردات فی غریب القرآن، محقق و مصحح: صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم، الدار الشامیه.

ساعد، نادر (1386). حقوق بشر دوستانه و سلاح‌های هسته‌ای، تهران، شهر دانش.
سبزواری، عبدالاعلی (1409ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت. ج 3.

_____ (1413ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، چاپ چهارم، قم، مکتب آیه‌الله السید السبزواری، ج 20.

- سبزواری، محقق محمدباقر (بی‌تا). *کفایة الاحکام*، اصفهان، مهدوی، ج 3.
- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (1425ق). *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقہیة الاساسیة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 1.
- الشیب، ابو میثم (1421ق). *الجهاد* (تقریراً لبحث آیه‌الله محمد مهدی ال‌اصفی). قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدر، محمدباقر (1417ق). *اقتصادنا*، محقق و مصحح: عبدالحکیم ضیاء، علی‌اکبر ناجی، محمد حسینی، صابر اکبری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی (شعبه خراسان).
- صدوق. محمدبن علی بن بابویه (1413ق). *من لایحضره الفقیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج 4.
- طباطبای، سیدمحمدحسین (1417ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 2 و 9.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (1360). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، ج 3.
- طریحی، فخرالدین (1416ق). *مجمع البحرین*، چاپ سوم، محقق: احمد حسینی، تهران، مرتضوی، ج 2.
- طوسی، ابو جعفر محمدبن حسن (1376). *تهذیب الاحکام*، تهران، صدوق، ج 6.
- _____ (1400ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتاب العربی، ج 3.
- _____ (1407ق). *الخلافة*، محقق و مصحح: علی خراسانی، سیدجواد شهرستانی، مهدی طه نجف و مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 5.
- _____ . *التبیین فی تفسیر القرآن*، مقدمه شیخ‌آغازرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج 3.
- طوسی، محمدبن حسن ابو جعفر (1387ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*، چاپ سوم، محقق: محمدتقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضویة لاحیاء التراث الجعفریة، ج 1.
- طیب، عبدالحسین (1387). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، ج 6.

عاملی (شهید ثانی). زین الدین بن عاملی (1413ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج 4.

عاملی. حر (1409ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ج 8.

عبدالرضا لطفی، و نادر اخگری بناب، و محمدرضا فقهی (1394). تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه فقه و حقوق بین الملل بشر دوستانه، چاپ دوم، قم، دار الهدی. عراقی، آغاضیاء الدین (1414ق). شرح تبصرة المتعلمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 3.

علم الهدی، احمد (1389). جلوه های هدایتی داستان حضرت موسی، تهران، دانشگاه امام صادق.

عمیق، محسن (1388). «درآمدی بر فقه محیط زیست»، کاوشی نو در فقه اسلامی، بهار و تابستان 1388، سال 17، شماره 59-60، ص 97-40.

عیاشی، محمدبن مسعود (1380). تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه تهران، ج 2.

قرطبی، محمدبن احمد (1364). الجامع الاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ج 1.

قمی، علی بن ابراهیم (1367). تفسیر القمی، چاپ چهارم، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب، ج 1.

کرکی عاملی (محقق ثانی). علی بن حسین (1414ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت، ج 9.

کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (1407ق). الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج 5.

گرجی، ابوالقاسم (1369). مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ج 2.

گیلانی (میرزای قمی). ابوالقاسم (1413ق). جامع الشتات فی اجوبه السؤالات، تهران، مؤسسه کیهان، ج 20.

مامقانی، محمدحسن بن عبدالله (1316). غایه الامال فی شرح کتاب مکاسب، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ج 2.

- مجلسی، محمدباقر (1404ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء، ج 19، 21، 69 و 97.
- مصطفوی، محمدکاظم (1421ق). مائة قاعدة فقهية، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، حسن (1402ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، مركز الكتاب للترجمة و النشر، ج 5.
- مطهری، مرتضی. فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم، صدرا، ج 20.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری (1413ق). المقنعة، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (1374). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامی، ج 7.
- ممتاز، جمشید (1377). حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه امیرحسین رنجبریان، تهران، نشر دادگستر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (1369). صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج 17 و 20.
- _____ . تحرير الوسيلة، قم، مؤسسة مطبوعات دار العلم، ج 1.
- _____ . كتاب البيع، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج 1.
- نجفی (کاشف الغطاء). حسن بن جعفر بن خضر (1422ق). انوار الفقاهه، كتاب البيع، نجف اشرف، مؤسسة کاشف الغطاء، ج 1.
- نجفی، محمدحسن. جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، المحقق و المصحح: الشيخ عباس القوجانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج 26.
- نراقی، احمد (1417ق). عوائد الايام في بيان قواعد الاحكام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (1417ق). مقالات فقهية، بیروت، مركز الغدير للدراسات الاسلامية.